

راه

آدرس اینترنت در صفحه ۴۰

توده

دوره دوم شماره ۷۸ آذرماه ۱۳۷۷

از داخل کشور به ما می نویسند:

۱- "خفتگان زورگی"

ناهی که به مجلس خبرگان داده اند!
(ص ۱۹)

۲- آنچه از دیدار مادر

"جلائی پور" با "رهبر"
بوسه زبانه است! (ص ۱۹)

مناظره دکتر یزدی و

عباس عبدی در تهران

(ص ۹)

دیدار با

"دلکش"

اندوه کودتای ۲۸ مرداد

در ترانه های دلکش بود
(ص ۹)

چرا از "رهبر" نمی پرسید؟

(ص ۳)

پیش به سوی

انتخابات شوراها

(ص ۶)

نگاهی به اسناد کنگره چهارم
حزب دموکراتیک مردم ایران

بازگشت به گذشته

(ص ۱۷)

واقع بینی، دور

برابردهن گرائی

(ص ۲۷)

در حاشیه تشنج در سخنرانی

"فرخ نگهدار" در سوئد

تشنج آفرینی

چرا؟

(ص ۵)

فوق العاده "راه توده" (ضمیمه)

درباره قتل داریوش فروهر

بحران اقتصادی به انفجار

سیاسی خواهد انجامید؟

دو بحران اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه ایران، جسم و روان مردم را هم آهنگ با هم می فرسایند. جنونی که ارتجاع مذهبی برای ادامه مقاومت در برابر آزادی ها و گشایش فضای سیاسی ایران از خود نشان می دهد، همزمان با کارشکنی همه جانبه سرمایه داری تجاری ایران در کنار سامان یافتن اقتصاد بحران زده ایران، می رود تا بحران اقتصادی موجود را به یک انفجار سیاسی غم کننا انفجاری که با کوتاه نشدن دست مخالفان و لوطه کشندگان از اهرم های قدرت، روز به روز اجتناب ناپذیرتر می نماید. هر اندازه که دورنمای این انفجار نزدیکتر می شود، به همان اندازه، اهمیت و ضرورت هدایت این انفجار در جهت تحولات مثبت پیش از پیش در دستور قرار می گیرد. در واقع نه از انفجار سیاسی، بلکه از بی سازمانی و عدم رهبری چنین انفجاری، جهت هدایت آن به مسیر تحولات باید تکران بود.

آنچه که امروز بعنوان بحران اقتصادی ایران از آن یاد می شود، مشابه همان بحرانی است که در تمامی کشورهای اجرا کننده برنامه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بروز کرده است. یعنی، حاصل یک دهه پیگیری برنامه های اقتصادی امپریالیسم جهانی در جمهوری اسلامی، امروز در اشکال فقر و فلاکت، بی خاصیتی، بی سر پناهی، گرسنگی، فساد، زدگی، اعتماد، اختلاس و... خود را نشان می دهد. اینها نشانه هائی است که در تمام کشورهای مجری برنامه های صندوق بین المللی و برنامه اقتصادی "تعدیل اقتصادی" و یا "تعدیل ساختاری" بروز اجتماعی یافته است. اندوژی، مالزی، سنگاپور، کره جنوبی، مکزیک، روسیه و... همگی به همان سرنوشتی دچار شده اند که ایران امروز دچار آنست. رشد سرمایه داری انگلیسی، تجارت جهانی تولید، رشد مافیای دلالی، غارت مردم کارنامه اقتصادی چنین سرنوشتی است، و سرکوب معترضان، سبزه با مطبوعات، مقاومت در برابر آزادی ها، ارتکاب انواع جنایات مافیائی، انزجار سیاسی یک این اقتصاد غیرملمی و وابسته است. یافتن نشانه های مشترک میان آنچه که امروز در مالزی و اندوژی می گذرد، با آنچه که در ایران جریان دارد، نه تنها کار آسانی است، بلکه با مرور اخبار رویدادهای این دو کشور، خود به خود جمهوری اسلامی در برابر دیدگان قرار می گیرد!

آنچه را که بعنوان نشانه تفاوت میان جمهوری اسلامی و کشورهای پیرو برنامه های صندوق بین المللی پول می توان برشمرد، همانا پنهان شدن مجریان، تحمل کنندگان و بوجود آورندگان این بحران در پشت شعارهای به ظاهر انقلابی، عوامفریبانه و فاقد هر نوع اعتبار از یکسو، و آن رنگ و لعاب مذهبی است، که از سوی دیگر بر آن پاشیده اند. رنگ و لابی که فشار ناشی از بحران سیاسی-اقتصادی موجود بر میلیون ها توده مردم فقر زده، غارت شده و آرماسان برپاد رفته انقلاب ۵۷ ایران را مضاعف کرده است!

در متکینه این دو بحران است، که هر چاره ای که مخالفان تحولات در ایران، برای گریز از بحران می اندیشند، علیرغم همه خوشنود و جنجال که این توطئه ها در پی دارد، بلافاصله به ضد خود تبدیل شده و بر بحران همه جانبه می افزاید! چرا که جامعه نیازمند یک خانه یکتائی اساسی است و طرد شدگان حاکم در پی روزنه هائی برای تحفظ موقعیت خویش درحاکمیت و از سرگرداندن آواربزرگی که مردم ایران بر سرشان خراب کرده اند!

(بقیه در ص ۳)